



بررسی فقهی - محاربه و حکم آن

پدیدآورنده (ها) : جبرائیلی تبریزی، مهدی

فقه و اصول :: نشریه مبلغان :: بهمن و اسفند ۱۴۰۱ - شماره ۲۸۵

صفحات : از ۷۱ تا ۷۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2007056>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی فقهی و جامعه شناختی واکسیناسیون هراسی کرونا و ارایه حکم تکلیفی آن
- بررسی مبانی فقهی محاربه و حد آن
- بررسی مستندات قرآنی حکم تغییر جنسیت و آثار فقهی آن
- بررسی حکم فقهی مالکیت مراتع و واگذاری آن در فقه امامیه
- بررسی مفهوم فقهی فسوق و بیان حکم تکلیفی و وضعی آن
- قیاس انسان و بررسی آن از دیدگاه فقهی
- بررسی فقهی و حقوقی حکم شهادت بر سرقت پیشین پس از اجرای مجازات حدی
- بررسی ماهیت «حکم حکومتی» و تفاوت آن با «فتوای حکومتی»
- بررسی فقهی و حقوقی تسری حکم ممنوعیت قاتل از ارث مقتول به محرومیت موصی‌له از موصی‌به
- بررسی فقهی و حقوقی حکم شروط ضمن عقد پس از اقاله

بررسی فقهی - حقوقی

محاربه و حکم آن

مهدی جبرائیلی تبریزی*

اشاره

چیزی حد و مرزی قرار داده و برای هرکسی که از آن مرزها پا فراتر نهد، حد و کیفری مشخص کرده است.³ «حدّ» در لغت، به معنای منع می‌باشد و در اصطلاح، عبارت است از: «کیفری که برای برخی از گناهان در قانون اسلام تعیین شده است». تناسب این تعریف با معنای لغوی در آن است که اجرای حدود، وسیله منع مردم از گناهان می‌باشد. از این لحاظ در احادیث اسلامی به اصل عدم‌تأخیر و تعطیل در اجرای حدود، تأکید شده است؛ «لَيْسَ فِي الْحُدُودِ نَظْرُ سَاعَةٍ».⁴

مُحَارَبَةٌ مِنْ مَنَظَرِ الْقُرْآنِ وَ رَوَايَاتِ

از دیدگاه قرآن کریم، کسی که با نزدی بر سر گرنده‌های بیرون از شهر یا داخل شهر با تهدید اسلحه، مردم را بترساند و به

آسایش جامعه بشری، یکی از اهداف تشریح دین اسلام است که با اجرای کامل حدود الهی، اموال، ناموس و جان مردم از هر خطری محفوظ می‌ماند، حتی امنیت بیگانگان نیز در سایه همین احکام، تأمین می‌شود. افراد جنایتکاری که امنیت و آرامش عمومی را سلب کنند و اموال و ناموس مردم را تهدید نمایند و مردم را در معرض خطر قتل و غارت خود قرار دهند، باید به سختی مجازات شوند.²

امام صادق^ع در این خصوص از پیامبر اکرم- نقل می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا؛ خداوند برای هر

*. دانش آموخته سطح 4 حوزه علمیه قم.
2. انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی، ناشر کتابفروشی لطفی، تهران، چاپ اول، 1404ق، ج 5، ص 5.

3. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق، ج 7، ص 176.

4. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل‌البیت، قم، چاپ اول، 1409 ق، ج 28، ص 47.

جان و مال آن‌ها تجاوز کند، مانند این است که با خدا و رسول خدا- به جنگ برخاسته است. تعدی به حریم بندگان خدا با ترساندن و ایجاد وحشت در میان آن‌ها و برهم زدن امنیت جامعه، در حقیقت تعدی به حریم خدا و مخالفت با خواسته پروردگار است که همان امنیت و آرامش بندگان باشد.¹

قرآن کریم در خصوص مجازات راهزنان² می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُجَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»³.

علامه طباطبائی (در ذیل این آیه می‌نویسد: «مراد از محاربه، همان به فسادکشیدن زمین با راهزنی و اسلحه‌کشیدن و ناامن کردن راه‌هاست»⁴).

در مورد محاربه از امام باقر 0% روایت شده است که فرمودند: «مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ فَعَقَرَ أَقْتَصَ مِنْهُ وَ نَفِيَ مِنْ تِلْكَ الْبَلَدَةِ وَ مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ فِي غَيْرِ الْأَمْصَارِ وَ ضَرَبَ وَ عَقَرَ وَ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ يُقْتَلْ فَهُوَ مُحَارِبٌ فَجَزَاؤُهُ جَزَاءُ الْمُحَارِبِ وَ أَمْرُهُ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَ إِنْ شَاءَ

صَلَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ قَطَعَ يَدَهُ وَ رَجَلَهُ قَالَ وَ إِنْ ضَرَبَ وَ قَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقَطَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى بِالسَّرِقَةِ ثُمَّ يَدْفَعَهُ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ فَيَتَّبِعُونَهُ بِالْمَالِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ؛ کسی که در شهری اسلحه

بکشد و کسی را زخمی کند، قصاص شود و از آن شهر تبعید شود و کسی که در شهری اسلحه بکشد و کسی را بزند و زخمی کند و مال بستاند ولی کسی را نکشد، محارب است و مثل محارب مجازات می‌شود. و سرنوشت او به امام واگذار می‌شود. امام اگر بخواهد او را می‌کشد و سپس به صلیبش می‌کشد یا دست و پای او را از چپ و راست قطع می‌کند. اگر اسلحه کشد و بزند و بکشد و مال بگیرد، امام باید به جرم زدنی، دست راست او را قطع کند. آن گاه او را به اولیاء مقتول تحویل دهد تا پس از بازپس گرفتن مال خود، او را بکشند»⁵.

ر هیافت قهقی به مسئله

حرب، نقیض سلم (آرامش و صلح)⁶ به معنای جنگ است؛ به محراب مسجد نیز چون جایگاه مبارزه با شیطان و هوای نفس و ستیز با کارهای لغو و بیهوده است، محراب می‌گویند.⁷ حرب در اصل به

1. تفسیر نمونه، آیت‌الله ناصر مکارم شریزازی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۳۶۰.

2. پیرامون شأن نزول آیه بنگرید به: المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، 1417 ق، ج 5، ص 54.

3. کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از دست راست) و پای (چپ) آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی

آن‌ها در دنیا است و در آخرت، مجازات عظیمی دارند (مانده/ ۳۳).

4. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، ج ۵، ص ۳۲۶.

5. الکافی، کلینی، ج 7، ص 248.

6. کتاب‌العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۲۱؛ لسان‌العرب، محمد بن مکرّم ابن منظور، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۰۲.

7. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول، ص ۲۲۵.

معنای سَلْب¹ و محارب به معنای جنگجو است.

مراد از محاربین در اصطلاح فقه کسانی هستند که برای ترساندن مردم سلاح بیرون می‌آورند، در هر شرایطی و توسط هرکسی که باشد.²

امام خمینی (می‌نویسند: «محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید؛ خواه در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز. و در صورت تحقق آنچه که ذکر شد، شرط نیست که از اهل ریه (افراد مشکوک و متهم)³ باشد، و مرد و زن در آن مساوی است».⁴

براین اساس امام خمینی (، افساد در زمین را از شروط محاربه می‌دانند. صاحب جواهر هم همین تعریف را بیان کرده‌اند.⁵

گروهی از فقها ارباب را به طور مطلق (نه برای گرفتن مال و راهزنی) در تعریف محاربه آورده‌اند. یعنی محاربه را به معنی کشیدن اسلحه برای ترساندن

مردم می‌دانند.⁶ قصد اخافه در تحقق عنوان محاربه بحث دیگر این است که آیا قصد اخافه در تحقق عنوان محاربه، کافی است و یا آن‌که علاوه بر قصد اخافه، تحقق اخافه در خارج (اخافه بالفعل و به وجود آمدن رعب و وحشت در بین مردم) نیز در تحقق عنوان محاربه شرط است؟ گروهی از فقها، علاوه بر قصد اخافه، به وجود آمدن فضای رعب و وحشت را نیز در خارج، شرط دانسته‌اند.⁷

از ظاهر کلام برخی از فقها چنین استفاده می‌شود که اگر شخصی آن قدر ضعیف باشد که قادر به ایجاد هراس در بین مردم نباشد، محارب نیست. بلکه شرط محارب‌شمردن چنین شخصی تحقق خارجی رعب و وحشت است. اما اگر فردی شأنیت ایجاد رعب و وحشت را دارد، همین قدر که به قصد ایجاد وحشت اسلحه بکشد، محارب محسوب می‌شود هر چند در خارج، موجب وحشت نشود.⁸

برخی از فقها هم، محاربه را کشیدن اسلحه برای ترسانیدن مردم و مبارزه با

1. کنز العرفان فی فقه القرآن، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله فاضل مقداد، تحقیق سید محمد قاضی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱.
2. کنز العرفان، فاضل مقداد، ج ۲، ص ۳۵۱.
3. به تعبیر امروزی «ارادل و اوباش».
4. تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی خمینی (، دارالعلم، قم، اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۲.
5. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، هفتم، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴.
6. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، نجم‌الدین جعفر بن حسن حلّی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۷؛ اللعة دمشقیة فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی عاملی، دار التراث الذاریة اسلامیة، بیروت، اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۳؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن منصور ابن ادریس حلّی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم،

- 1410 ق، ج ۳، ص ۵۰۵؛ مبانی تکملة المنهاج، السید أبو القاسم الموسوی الخوئی، مطبعة الآداب، النجف الأشرف، ج ۱، ص ۳۱۸.
7. الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی عاملی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۹؛ کشف الغطاء عن مبهمة الشریعة الغراء، جعفر بن خضر مالکی نجفی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۴۲۵؛ مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، احمد بن محمد اردبیلی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص ۲۸۶؛ الدر المنضود فی أحكام الحدود، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، دار القرآن الکریم، قم، اول، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۳.
8. تحریر الوسیله، امام خمینی (، ج ۲، ص ۴۹۲؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، محمد فاضل موحدی لنکرانی، مرکز فقهی ائمه اطهار (، قم، اول، ۱۴۲۲ق، ص ۶۴۱.

حکومت اسلامی می‌دانند. چنانکه در فقه السنة در تعریف محاربه آمده است: «محاربه که قطع طریق هم نامیده می‌شود، عبارت است از خروج طایفه‌ای با اسلحه در کشور اسلامی که هرج و مرج پدید آورند و خونریزی کنند و اموال مردم را بر بایند و هتک عرض و حیثیت مردم را فراهم آورند و موجب رکود و هلاکت منابع درآمد و نسل شوند. همانطور که در محاربه، گروه‌های مختلف که عهده‌دار و مسئول انجام کاری هستند داخل می‌شوند، مانند گروه کشتار و تروریست‌ها و ... به این جهت این گروه‌ها محاربه نامیده شده‌اند، چون بر نظام صالح، خروج کرده‌اند، در نتیجه با جامعه مسلمین در ستیز و محاربه می‌باشند و از جانب دیگر با تعالیم عالیه اسلامی که برای تثبیت امنیت عمومی و حفظ حقوق و سلامت بشریت است، در جنگ و ستیزند.¹

شرط پذیرش توبه محاربین

خداوند متعال در بیان حکم پذیرش توبه محاربین می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ مگر آنها که قبل از دست‌یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ بدانید خداوند آمرزنده و مهربان است».²

امام باقر % می‌فرماید: «يَعْنِي يُتُوبُوا قَبْلَ أَنْ يَأْخُذَهُمُ الْإِمَامُ؛ قبل از این‌که امام، محارب را دستگیر کند، توبه نماید».³

امام خمینی (در این خصوص

معتقدند: «اگر محارب قبل از توانایی بر او، توبه نماید، حدّ ساقط می‌شود، نه حقوق الناس از قبیل قتل و جرح و مال. و اگر بعد از دست‌یافتن بر او توبه کند، حدّ (محاربه) هم ساقط نمی‌شود».⁴

رهیافت حقوقی به مسئله

محاربه در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. ماده 279 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «محاربه، عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد».

ماده 281 قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص محارب، تصریح می‌کند: «راهنزان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند، محاربند».

جرم‌بودن سلاح سرد

در ماده ۴ قانون «مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز» آمده است که «واردکردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آنها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آنها بدون مجوز مراجع ذیصلاح جرم است و مرتکب به مجازات‌های مندرج در این قانون محکوم می‌شود».

همچنین در ماده ۲۷۹ قانون مجازات

1415ق، ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۵؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج 28، ص 313.
4. تحریر الوسیلة، امام خمینی (ج ۲، ص ۵۲۷؛ تفسیر نمونه، آیه‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۲ - ۳۶۳.

1. فقه تطبیقی بخش- جزایی، سیدمحمد موسوی جعفری، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ت)، تهران، چاپ اول، 1384ش، ص 159.
2. مانده/34.
3. تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم،

فی الارض به‌شمار رفته و به مجازات اعدام محکوم می‌شود».

به طور کلی در تفاوت بین محاربه و افساد فی الارض، می‌توان گفت:

1. در تعریف افساد فی الارض، موارد به صورت کلی آمده‌اند، ولی در مجموع هدف، برهم‌زدن امنیت و سلب آسایش جامعه است و ملاک صرفاً اسلحه‌کشیدن نیست، ولی در محاربه با این‌که هدف، علیه امنیت کشور است ولی صرفاً اسلحه‌کشیدن شخص برای مال، جال، ناموس و ترساندن مردم، ملاک است تا شخص عنوان محارب پیدا کند؛

2. در افساد فی الارض، جرم ممکن است با انجام‌دادن (فعل) یا انجام‌ندادن (ترک فعل) صورت بگیرد ولی در محاربه حتماً باید کاری صورت بگیرد که همان اسلحه‌کشیدن علیه امنیت جامعه است؛

3. مستفاد از ماده 286 قانون مجازات اسلامی این است که شخص مفسد فی الارض، ممکن است با عملش نه تنها امنیت داخلی، بلکه امنیت خارجی کشور را نیز تحت تأثیر قرار دهد، اما شخص محارب صرفاً هدفش امنیت داخلی است.

حکم محارب

قرآن کریم برای محارب، چهار حکم بیان می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي

اسلامی در مورد عمل محاربه مقرر شده که بین سلاح گرم یا سرد تفاوتی وجود ندارد: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد».

سلاح سرد، چیست؟

طبق «آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز»؛ سلاح سرد، شامل وسایل، آلات و ادواتی است که برخلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد ننموده و اصابت آنها به بدن منجر به ایجاد پارگی، خونریزی، از کار افتادن موقت یا دائم اعضا و نهایتاً آسیب جسمی و روحی یا فوت می‌شود.

تفاوت افساد فی الارض و محاربه

گروهی از فقها با استناد به آیه محاربه، مفسد فی الارض را غیر از محارب دانسته و گروهی دیگر این دو عنوان را یکی شمرده‌اند.

در قانون مجازات اسلامی ماده 286 مصوب ۱۳۹۲ ش، عنوان افساد فی الارض جدای از محاربه تعریف شده و جرم افساد فی الارض چنین بیان شده است: «هرکس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مفسد

الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ».¹
 ۱. کشتن و به دار آویختن؛ کلمات «تقتیل»، «تصالیب» و «تقطع» از باب تفعیل است که شدت در معنای قتل، صلب و قطع را می‌رسانند؛ پس این کلمات به معنای کشتن، دارزدن و بریدن به شدت است.²

۳. قطع دست و پای مخالف؛ یعنی دست و پای مجرم را به صورت مخالف هم قطع کنند. و مراد از قطع، قطع قسمتی از دست و پا است،³ نه همه آن و قطع يك دست و يك پا بیان شده، نه هر دو که اگر مراد قطع هر دو بود، دیگر نیازی به بیان {من خلاف} در آیه نبود.⁴

۴. تبعید؛ از امام رضا% در مورد چگونگی تبعید و حد آن چنین نقل شده است: «يُنْفَى مِنَ الْمَصْرِ الَّذِي فَعَلَ فِيهِ مَا فَعَلَ إِلَى مَصْرِ غَيْرِهِ وَ يَكْتَبُ إِلَى أَهْلِ ذَلِكَ الْمَصْرِ أَنَّهُ مَنْفِيٌّ فَلَا تُجَالِسُوهُ وَ لَا تُبَايَعُوهُ وَ لَا تُتَاكَمُوهُ وَ لَا تُؤَاكِلُوهُ وَ لَا تُشَارِبُوهُ فَيُفَعَلُ ذَلِكَ بِهِ سَنَةً فَإِنْ خَرَجَ مِنْ ذَلِكَ الْمَصْرِ إِلَى غَيْرِهِ كُتِبَ إِلَيْهِمْ بِمِثْلِ ذَلِكَ حَتَّى تَتِمَّ السَّنَةُ قُلْتَ فَإِنْ تَوَجَّهَ إِلَى أَرْضِ الشَّرْكَ لِيَدْخُلَهَا قَالَ إِنْ تَوَجَّهَ إِلَى أَرْضِ الشَّرْكَ لِيَدْخُلَهَا قُوتِلَ أَهْلُهَا؛ از آن شهری که دست به چنین کارهایی زده، به شهر دیگری تبعید می‌شود، و به اهل آن شهر می‌نویسند که این شخص به جرم فسادانگیزی از فلان شهر به اینجا تبعید شده، با او مجالست

و معامله نکنید و به او زن ندهید و با او هم سفره نشوید و در نوشیدنی‌ها شریک او نشوید، پس به مدت يك سال این‌کار را با او می‌کنند، اگر در بین سال خودش از آن شهر به شهری دیگر رفت، باز به اهل آن شهر جدید همین سفارش‌ها را می‌نویسند تا يك سالش تمام شود. دوباره از امام% پرسیده شد: اگر به طرف سرزمین شرک حرکت کرد تا در آنجا سکونت کند، چطور؟ فرمود: اگر چنین کرد، باید مسلمانان با اهل آن شهر جنگ کنند.»⁵

شیوه اجرای احکام محاربه درباره شیوه اجرای این چهار حکم، دو قول وجود دارد:

۱. تخییر؛ یعنی امام معصوم% اختیار دارد که هر کدام از این چهار حکم را که صلاح دید، اجرا کند و ظاهر آیه بر اساس حرف «أو» که بین این چهار حکم آمده، حکایت از تخییر می‌کند.⁶

از نظر امام(ع)، حد محاربه تخییر است: «بنابر اقوی حاکم بین قتل و مصلوب‌کردن و قطع به طور مخالف و نفی بلد، مخیر است. و بعید نیست که برای حاکم بهتر باشد که جنایت را ملاحظه کند و آنچه که مناسب آن است، اختیار نماید.»⁷

از نظر قانونی هم طبق ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی؛ قاضی اختیار مطلق دارد که هریک از مجازات‌های

6. زبدةالبیان فی احکام القرآن، احمد مقدس اردبیلی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول، بی‌تا، ص ۶۶۵؛ کنز‌العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۵۲، مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام، ج ۴، ص ۲۱۱.
 7. تحریر الوسیلة، امام خمینی(ع)، ج ۲، ص ۵۲۷.

1. مانده/23.
 2. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۳۲۷.
 3. کنز‌العرفان، فاضل مقداد، ج ۲، ص ۳۵۲؛ تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۰.
 4. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۳۲۷.
 5. الکافی، کلینی، ج 7، ص 247.

بی‌گناهان و جلوگیری از تجاوزهای افراد قلدر، جانی، چاقوکش و آدمکش، نسبت به جان، مال و ناموس مردم بی‌گناه است.⁴

موجود در ماده 282 را در حق محارب انتخاب نماید.

۲. **ترتیب و تفصیل؛** متناسب با چگونگی جرم و جنایتی که از محاربین انجام گرفته و براساس مراتب فساد که مرتکب شده اند، یکی از این مجازات‌ها برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی اگر آدمکشی کرده، باید کشته شود، و اگر علاوه بر قتل، مال مردم را هم برده، باید به دار آویخته شود و اگر تنها مال مردم را برده، باید دست و پایش بطور مخالف بریده شود و اگر تنها در راه مردم، ایجاد ترس و وحشت نموده، باید تبعید شود.¹

فرجام کلام

۱. شخص محارب، به خاطر ایجاد رعب و وحشت بین مردم و فساد در زمین کشته می‌شود، نه به عنوان قصاص؛ از این رو اولیاء دم، نمی‌توانند محارب را عفو کنند و با عفو خود، مانع از اجرای حکم شوند.²

در روایتی ابو عبیده به امام باقر (ع) عرض می‌کند که اگر اولیای مقتول او را عفو کنند، باز هم کشته می‌شود؟ فرمودند: اگر او را عفو کنند، باز امام باید او را بکشد؛ چون او محارب است، هر چند که قاتل و سارق نیز می‌باشد؛ ابو عبیده می‌پرسد: اولیای مقتول می‌توانند از او خون‌بها بگیرند و رهایش کنند؟ فرمودند: نه، باید کشته شود.³

۲. شدت عمل اسلام در مورد محاربان، برای حفظ خون‌های

۱. تفسیر نورالتقلین، عروسی حویزی، ج ۱، ص ۶۲۲ و ۶۲۳؛ تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.
 ۲. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۳۳۲.
 ۳. «إِنَّ عَفْوًا عَنْهُ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ لِأَنَّهُ قَدْ حَارَبَ وَ قَتَلَ وَ سَرَقَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عُبَيْدَةَ فَإِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَأْخُذُوا مِنْهُ الدِّيَّةَ وَ يَدْعُوْنَهُ أَلَهُمْ ذَلِكَ قَالَ لَا عَلَيْهِ»
 ۴. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۱.

۱. تفسیر نورالتقلین، عروسی حویزی، ج ۱، ص ۶۲۲ و ۶۲۳؛ تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.
 ۲. المیزان، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۳۳۲.
 ۳. «إِنَّ عَفْوًا عَنْهُ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ لِأَنَّهُ قَدْ حَارَبَ وَ قَتَلَ وَ سَرَقَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عُبَيْدَةَ فَإِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَأْخُذُوا مِنْهُ الدِّيَّةَ وَ يَدْعُوْنَهُ أَلَهُمْ ذَلِكَ قَالَ لَا عَلَيْهِ»
 ۴. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۶۱.